

غربت علی بن موسی الرضا(ع) و زائر حقیقی آن حضرت



دکتر هادی رستگار مقدم پژوهشگر و مدرس

حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع) هشتمین امام شیعیان است. قبل از حضرت رضا(ع) جریان امامت فرازنشیب هایی داشت و پس از شهادت هر امامی تا امامت امام بعد از او، مدعیان فراوانی پیدا می شدند که ادعای امامت می کردند و به همین دلیل، قبل از امامت حضرت رضا(ع) نیز جریانات و مدعیان دروغین فراوانی رخ نمودند و جریان های فرقه سازی و مهدویت به معنای عام، زیاد نمود پیدا کرد. اما از زمان حضرت رضا(ع) تعداد این جریان ها کمتر شد و کسانی که به وجود آن حضرت اعتقاد داشتند و امامت ایشان را پذیرفته بودند، شیعیان خالص تلقی می شدند، بنابراین معتقدان به امامت آن حضرت، بسیار اندک شدند و امام در میان دوستان خود غریب واقع شدند، چنان که امام صادق(ع) فرموده اند: «نوه من در سرزمین خراسان و در شهری که به توس شهرت دارد، کشته (شهید) می شود. کسی که او را در آن شهر زیارت کند درحالی که عارف به حقش باشد، من خودم دست او را می گیرم و در بهشت واردش می کنم؛ هر چند اهل کبیره باشد».
راوی می گوید از آن حضرت سؤال کردم: «فدایت بشوم! چگونه عارف به حقش باید بود؟» فرمودند: «اینکه بداند آن حضرت اطاعتش واجب است و بداند که او غریب بوده و شهید است. کسی که او را زیارت کند درحالی که حقش را به درستی بشناسد، خدای تعالی اجر هفتاد شهیدی که در رکاب رسول خدا(ص) شهید شده اند، به او عنایت می کند». در روایت دیگری وارد شده است که امام صادق(ع) فرمودند: «يُقْتَلُ لَهَذَا وَ اَوْثَمُ يَبْدُو إِلَى مَوْلَانَا مُوسَى(ع) وَلَهُ يَطُوسُ لَا يَزُوْرُهُ مِنْ شِيعَتِنَا إِلَّا الْاَلَدُزْ فَلَا لَدُزْ؛ برای این فرزندم [با دست مبارک خود به امام موسی کاظم(ع) اشاره می کردند]، فرزندی هست که در توس به شهادت می رسد و از شیعیان ما کسی او را زیارت نمی کند، مگر بسیار اندک». همچنین در بخشی از خبری که مرحوم صدوق در عیون اخبار الرضا از خود امام رضا(ع) نقل کرده است، آن حضرت در نزدیکی قبر هارون، خطی را ترسیم کردند و فرمودند: «اینجا تربت من است و در همین جا دفن می شوم و خدای تعالی به زودی این مکان را محل آمدوشد شیعیان و دوستداران من قرار می دهد. به خدا قسم زیارت نمی کند مرا زائری از اینان و به من سلام نمی کند، مگر آنکه غفران خدای تعالی و رحمتش به واسطه شفاعت ما برای او واجب می شود». همچنین از جناب عبدالعظیم حسنی(ع) نقل شده است: «به محضر امام جواد(ع) رسیدم و به آن حضرت گفتم من میان زیارت قبر حضرت سیدالشهدا(ع) و قبر پدر شما حضرت علی بن موسی(ع) در توس، متحیر و مردد هستم. نظر شما چیست (کدام را زیارت کنم؟) حضرت جواد(ع) فرمودند شما در جای خود بمانید و بعد داخل اتاقی رفتند و سپس خارج شدند و درحالی که اشک بر گونه های مبارک جاری بود، فرمودند: زوار قبر ابا عبد... (الحسین) بسیار زیاد هستند، ولی زوار قبر پدر من در توس، بسیار اندک». نزدیک به همین معنا از ابن مهزیار نیز نقل شده است که می گوید: «از حضرت محمد بن علی بن موسی(ع) سؤال کردم فدایت شوم زیارت حضرت رضا(ع) افضل است یا زیارت حضرت سیدالشهدا(ع)؟ آن حضرت فرمودند: زیارت پدرم افضل است و این بدان سبب است که حضرت ابا عبد... (الحسین) را همه مردم زیارت می کنند و پدر مرا تنها خواص شیعه زیارت می کنند». صاحب کتاب «کامل الزیارات» سه دلیل برای تفسیر این روایت و روایت پیشین بیان می کند و می نویسد: «شاید این اختصاص به این زمان داشته باشد، چون شیعه رغبت چندانی به زیارت آن حضرت ندارند، مگر تنها خواص شیعه، کسانی که فضل زیارتش را می شناسند». با این تحلیل در هر زمانی، امامی از حضرات ائمه(ع) زائر اندکی دارند که ثواب زیارتشان، بسیار زیاد خواهد بود یا شاید چون حتی مخالفان و غیرشیعه هم حضرت سیدالشهدا(ع) را زیارت می کنند ولی درباره حضرت رضا(ع)، تنها خواصی که شیعه هستند، آن حضرت را زیارت می کنند و شاید هم معنای این دسته روایات، این باشد که از فرقه های شیعه تنها کسانی حضرت رضا(ع) را زیارت می کنند که قائل به امامت تمام ائمه باشند، زیرا کسی که قائل به امامت علی بن موسی الرضا(ع) بوده باشد، درحقیقت قائل به امامت همه حضرات ائمه(ع) بعد از آن حضرت تا امامت دوازدهمین آن هاست، زیرا مذاهب و فرق بعد از امام رضا(ع)، بسیار اندک است و آنچه هم ظهور پیدا کرده است، بعد از زمانی اندک در سریع ترین زمان ناپود شده و هیچ اثری از آنان باقی نمانده است، به همین دلیل بعد از حضرت رضا(ع)، فرقه و گروهی مدعی امامت یا نداریم یا در سریع ترین زمان ناپوده شده است. پس دلیل اینکه آن حضرت را غریب الغریبا نامیده اند و خطاب می کنند، هم به دلیل نشانختن حق حضرت است و هم به دلیل زائر اندک ایشان. هر چند در حال حاضر بارگاه مطهر رضوی، سالانه پذیرای زائران زیادی است.

خورشید آسمان شهر ما

روایت کردن از آخرین لحظات زندگی فردی که دوستش داری، سخت و حتی برای بهترین نویسندگان نیز دشوار است، اینکه از کودکی در صحن و سرای حرم او در گوشت اذان خوانده باشند و در هر برهه از سختی و غم یا شادی و سرور به حرم مطهرش رفته باشی، طوری که خاک قدم های زائران حرمش با وجود آمیخته شده باشد، نوشتن را سخت می کند.
مرور صحبت های خادم باوقای امام رضا(ع) خورشید شهر مشهد، مرور درد ریشه داری در تاریخ شیعیان است. روایت های مختلفی از نحوه شهادت ایشان به ما رسیده است. روایت امروز را هفت نفر از استادان شیخ صدوق برایش نقل کرده اند. این هفت نفر، همگی این روایت را از استادشان، علی بن ابراهیم قمی و او از پدرش، ابراهیم بن هاشم و ابراهیم، خود از ابوصلت هروی، یار باوقای امام هشتم(ع)، این طور نقل کرده اند: «اباصلت می گوید امام رضا(ع) به من فرمودند: ای ابوصلت! فردا من بر این فاجر، وارد می شوم، پس اگر از آنجا سیر برهنه خارج شدم، با من سخن بگو و من پاسخت را خواهم داد، ولی اگر در بازگشت، سرم را پوشیده بودم، با من سخن مگو. اباصلت در ادامه می گوید: «و چون صبح شد، امام رضا(ع) لباس خود را پوشیدند و در محراب و محل عبادتشان، منتظر نشستند. کمی بعد، غلام مأمون وارد شد و گفت: «امیر، شما را احضار کرده است». امام(ع) کش خود را پوشیدند و ردای خود را بر دوش انداخته، برخاستند. من در پی ایشان می رفتم تا بر مأمون وارد شدند. در پیش روی مأمون، طبقی از انگور و طبق هایی از میوه ها بود. در دست او خوشه انگوری بود که مقداری از آن را خورده بود و مقداری از آن، باقی بود. چون چشم او به امام افتاد، از جای برخاست و با او معانقه کرد و پیشانی اش را بوسید و ایشان را در کنار خود نشانید و خوشه انگوری را که در دست داشت، به ایشان داد و گفت: «ای پسر پیامبر خدا! من انگوری از این بهتر تا کنون ندیده ام». امام(ع) به او فرمودند: «چه بسا انگوری نیکو و از بهشت است!» مأمون گفت: «شما از آن تناول کنید». امام(ع) فرمودند: «مرا از خوردن آن، معاف بدار». مأمون گفت: «باید تناول کنی. برای چه نمی خوری؟ شاید خیال بدی درباره من کرده ای؟» سپس خوشه انگور را برداشت و چند دانه از آن را خورد و بعد نزد امام آورد. امام از او گرفتند و سه دانه از آن را به دهان گذاردند و خوشه را بر زمین نهادند و برخاستند. مأمون پرسید: «به کجا می روی؟» امام(ع) فرمودند: «بدان جا که تو مرا فرستادی». آن گاه عبا به سر کشیده، خارج شدند. ابوصلت گوید: «من با ایشان سخنی نگفتم تا داخل خانه شدند. سپس فرمودند: «درها را ببندید و کسی را راه ندهید». درها را بستند و ایشان در بستر خود خوابیدند. من در صحن خانه ایستاده بودم که در آن حال، چشمم به جوانی شبیه امام رضا(ع) افتاد که داخل خانه شد. پیش دویدم و سؤال کردم: «قربان! درها که بسته بود، شما از کجا وارد شدی؟» گفت: «آن که مرا از مدینه در این وقت بدین جا آورد، همو مرا از در بسته وارد خانه کرد». پرسیدم: «شما که هستی؟» گفت: «من حجت خدا بر تو هستم. ای ابوصلت! من محمد بن علی هستم». سپس به سوی پدرش رفت و وارد اتاق شد و به من فرمود که با او داخل شوم. چون دیده پدرش امام رضا(ع) بر او افتاد، او را در بغل گرفت و دست در گردن او کرد و پیشانی اش را بوسید. محمد بن علی(ع)، پدر را می بوسید و آهسته به او چیزی گفت که من نفهمیدم و لحظاتی بعد امام هشتم(ع) از دنیا رفتند».



شماره ۲۷
مهر ۱۳۹۵
شهریور ۱۳۹۵
۴شنبه

۱۴



حجت الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی در گفت وگو با شهرآرا از معرفت به امام هشتم (ع) می گوید

زیست مؤمنانه در کلام شمس الشموس (ع)

آئمه مستقیمی ا سی امین روز از ماه صفر که در تقویم شیعی، با سوگواری بر شهادت حضرت شمس الشموس (ع) قلم خورده است. در کنار عزاداری و عرض ارادت به ساحت قدسی و نورانی امام مهربانی ها، فرصتی است که بیش از پیش آموزه های نورانی آن حضرت را تبیین کرده، در سایه علم و عمل به آن معارف، سبک زندگی خود را در مقابل بسیاری از ناهنجاری ها، بحران ها و ناملایمات بیمه کنیم. در همین راستا با حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی، کارشناس مذهبی و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، درباره برخی ابعاد گنجینه معارف رضوی، گفت وگو کرده ایم که در ادامه می خوانید.

برترین اعمال از منظر امام رضا(ع)

امام رضا(ع) فراوان از امور مختلف مردم، گره گشایی و به آن توصیه می کردند، چنان که فرمودند: «کسی که باری از دوش دیگران بردارد، خدا روز قیامت بار از دوش او برمی دارد». البته باید توجه کرد در گره گشایی گاه ممکن است توان مالی لازم رانداشته باشیم اما بتوانیم از اعتبار و آبرویمان، هزینه و از این طریق، مشکل دردمندی راحل کنیم. در حدیث است شفاعت، زکات جاه و مقام است، این یعنی آن ها که آبرو و اعتبار دارند، به واسطه همین قدرت از دیگران گره گشایی کنند، چون بنا بر آموزه های دینی روایی، زیر آسمان خدا کاری برتر از رسیدگی به عیال خدا و مردم آبرومند نیست. نقل است شخصی به محضر پیامبر(ص) رسید و گفت: «می خواهم محبوب ترین مردم باشم». حضرت رسول(ص) فرمودند: «محبوب ترین افراد، نافع ترین آن ها هستند».

۲ شرط حیات مؤمنانه در فرهنگ رضوی

حضرت ثامن الحجج(ع) برای سبک زندگی مؤمنانه نیز نسخه ای کاربردی و گره گشا دارند و می فرمایند: «انسان، مؤمن نیست مگر اینکه سه ویژگی در زندگی او باشد؛ یعنی زندگی مؤمنانه در نگاه و راهبرد رضوی سه شرط و بعد دارد، نخست، سنتی که از خدا وام گرفته است؛ یعنی کتمان و مخفی نگه داشتن سر و راز دیگران، همان طور که ستار العیوب بودن از ویژگی های خداست. اینکه ما به هم اعتماد داریم و همدیگر را دوست داریم، برای آن است که از عیوب هم خبر نداریم و این همه از لطف خداست. دومین ویژگی، سنتی از پیامبر(ص) یعنی مداراست. حضرت رسول(ص) به شدت اهل مدارا بودند و می فرمودند: «همان طور که خدا من را به رسالت برگزید، مرا به مدارای با مردم هم امر کرد». مدارا حتی بادشمنان هم توصیه شده است تا در برخورد با فاکار و رفتارهای مخالف، از کوره درنرویم. سومین ویژگی، سنتی از ولی خدا و امام است و آن هم صبر و تحمل در سختی ها و ناملایمات و پیریشانی هاست. از امام صادق(ع) نقل شده است: «صبورترین افراد جدم، امیرالمؤمنین(ع) است». همچنین برپایه اقوال، ملانکه در روز عاشورا از صبر امام حسین(ع) در شگفت و تعجب بودند. مهم آن است که هر سه این ویژگی های حیات مؤمنانه، به ابعاد زندگی اجتماعی انسان بازمی گردد، زیرا باعث می شود انسان، هم خود نرنجد و هم دیگران را نرنجاند، هم خود آرام باشد و هم دیگران از او در امن و آرامش باشند و این چنین، زندگی همراه با آرامش را تجربه می کند.

امام رضا(ع)؛ درباره خدا انصاف داشته باشید

امام رضا(ع) به شدت به رعایت انصاف در حق خدا، توصیه و سفارش می کردند، یکی از اصحاب به نام احمد بن ابی نصر بزنطی به محضر حضرت ثامن الحجج(ع) رسید و گفت: «سه سال است حاجتی دارم و خدا اجابت نکرده است و من دچار بدگمانی به خدا شده ام». حضرت در پاسخ وی فرمودند: «مراقب باش! شیطان از همین جا نفوذ می کند. آیا اگر من به تو وعده ای دهم، تو شک می کنی؟». وی پاسخ داد: «خیر». حضرت فرمودند: «خدا خالق ماست، شک نکن وقتی می گوید: اِذْغُوْنِی اَسْتَجِبْ لَکُمْ، وعده اش راستین است». عالم آل رسول(ص) همچنین تاکید می کنند: «با خدا انصاف داشته باشید و به خدا بدگمان نباشید». این یعنی اگر اجابت حاجاتمان دیر و زود شد، به خدا گمان نید نبریم. دوم آنکه با نعمت های خدا گناه و معصیت نکنیم و سوم آنکه نقش اسباب را برزنگ تر از خدا نبینیم و در نهایت آنکه در امتحانات الهی، جزع و فرع نکنیم.



حجت الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی:

امام رضا(ع) فراوان از امور مختلف مردم، گره گشایی و به آن توصیه می کردند، چنان که فرمودند: «کسی که باری از دوش دیگران بردارد، خدا روز قیامت بار از دوش او برمی دارد». البته باید توجه کرد در گره گشایی گاه ممکن است توان مالی لازم رانداشته باشیم اما بتوانیم از اعتبار و آبرویمان، هزینه و از این طریق، مشکل دردمندی راحل کنیم

رحمت در آئینه، کلام امام رضا(ع)

امام رضا(ع) تبیین و نهادینه کردن معارف اهل بیت(ع) را برای هدایت امت، ضروری می دانستند و می فرمودند: «خداوند، رحمت کند آن بنده ای که امر ما را رانده کند؛ پرسیدند: چگونه امر شما رانده کند؟ فرمودند: «علوم ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد که اگر مردم، زیبایی های قنطار ما را می دانستند، از ما پیروی می کردند». برخی بیانات حضرت ثامن الحجج(ع)، از قول رسول خدا(ص) و برخی از زبان امیرالمؤمنین(ع) است و برخی معارف را نیز شخصا بیان کرده اند.

از جمله احادیث راهبردی برای همه ادوار تاریخ، حدیثی است که امام رضا(ع) از جدانشان تار رسول خدا(ص) و نهایتا از قول خدا بیان می کنند و آن حدیثی قدسی است با این محتوا که: «رسول خدا(ص) فرمودند خدا می فرماید: ای انسان ها! شما انصاف را درباره من رعایت نمی کنید، چون من به شما نعمت می دهم و شما با آن نعمت، گناه می کنید». به عبارت دیگر این بی انصافی است که با نعمت چشم، به نامحرم نگاه کنیم یا با نعمت زبان، غیبت کرده، تهمت بزنیم. حضرت ثامن الائمه(ع) در ادامه این حدیث قدسی، از قول پروردگار آورده اند: «از من پیوسته به تو خیر می رسد و از تو دانم. شر منوجه من می شود(اعم از دروغ، غیبت، تهمت و...)». انصاف جدای از عدالت است. عدالت یعنی هر فردی به اندازه شایستگی خود از برخی نعمات و برکات بهره مند باشد، اما انصاف براساس روایات، والا ترین فضایل و صفات اخلاقی است. امام صادق(ع) فرمودند: «سه کار بسیار مشکل است؛ یکی یاد خدادر همه حال. دوم انصاف درباره همه مردم و سوم، مواسات و برادری در حق یکدیگر».

آن ها که محبوب امام رضا(ع) هستند

امام رئوف(ع) در ادامه این نامه می فرمایند: «آن ها را مرا کن به راستگویی و امانتداری و اینکه سکوت در زندگی هایشان باشد و با هم جدال نکنند، (اغلب جدال ها و اختلاف ها و شرارت ها بر سر حرف های پیش پا افتاده است) و در ادامه تاکید می کنند که شیعیان و محبان اهل بیت(ع) با هم ارتباط و مراوده داشته باشند، چون صله رحم و تعامل، قلب ها را به هم نزدیک، بستر ازدواج را فراهم و افسردگی ها را برطرف می کند. حضرت شمس الشموس(ع) پس از بیان این آموزه ها، تاکید می کنند: «به مردم بگو اگر می خواهید نزد من محبوب و مقرب باشید، به این توصیه ها عمل کنید».

امام رضا(ع) نامه را چنین ادامه می دهند: «به مردم بگو یکدیگر را تمیز بق (تخریب) نکنند، یعنی هم را نشکنند و آزار ندهند و آبروی هم را نبرند». سپس قسم یاد کردند فردی که چنین کاری را انجام دهد، از من دور و عذاب دنیا و آخرت، نصیبش می شود و در ادامه تاکید کردند: «کسی که نیت سوء به مؤمنان داشته باشد، گناهانش آمرزیده نمی شود. مگر آنکه توبه کند و باز گردد». نکته مهم و راهبردی آنکه باید توجه کرد اگر چه بوسیدن ضریح، مستحب و خوب است، خود حضرت برای تقرب و نزدیکی زائران و شیعیان به وجود مبارکشان، بر رعایت این امور و کارها تاکید کرده اند؛ یعنی اگر می خواهیم با امام رئوف(ع) مأنوس و محبوب ایشان شویم، باید این مسیر را طی کنیم.

